

اشاره:
اواخر قرن نوزدهم اگرچه برده‌داری در آمریکا، در ظاهر با اعلامیه «آبراهام لینکلن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا» لغو شده، اما نژادپرستی در این کشور نهادینه شده و موضعی نبود که به این‌سادی‌ها رفع شود. تا نیمه‌های قرن بیستم رنگین‌پوستان و بویژه سیاهپوستان در آمریکا همچنان از حقوق اولیه زندگی برخوردار نبوده و مورد آزار سفیدپوستان قرار داشتند. اما یک اتفاق همه را تحت تاثیر قرار داد. در اول دسامبر ۱۹۵۵ در شهر «مونته‌گبری» ایالت آلاباما، «روزا پارکس» که یک زن سیاهپوست بود، حاضر نمی‌شود صندلی خودش را در اتوبوس به یک مرد سفیدپوست بدهد. این اقدام برای او هزینه سنگینی به همراه داشت؛ زندانی کردن این زن توسط دولت آمریکا، واکنش‌های گسترده‌ای را نسبت به این قوانین نژادپرستانه حاکم بر آمریکا موجب شد. در یکی از این واکنش‌ها «مارتین لوتر کینگ»، جنبش تحریم وسایل نقلیه عمومی از جنب سیاهپوستان را در این شهر رهبری کرد. این تحریم حدود یک سال به طول انجامید تا اینکه سرانجام در ۱۳ نوامبر ۱۹۵۶ دادگاه فدرال آمریکا قوانین جداسازی نژادها در اتوبوس‌ها را لغو کرد. بعد از این اتفاق بود که روزا پارکس و مارتین لوتر کینگ بتدریج در قلب میلیون‌ها نفر از مردم آمریکا جای گرفتند. حال یکصد سال پس از اعلامیه آزادی بردگان توسط آبراهام لینکلن، مارتین لوتر کینگ توانسته بود جمعیت عظیم و ۲۵۰ هزار نفری را مقابل بنای یادبود لینکلن جمع کند. مارتین لوتر کینگ در این همایش می‌گوید:
به‌رغم تمام مصیبت‌های امروز و فردا، من هنوز رویایی دارم. و این آرزویی است که ریشه در رویای آمریکا دارد. من رویایی دارم که روزی این ملت به پا می‌خیزد و زندگی می‌کند و به معنای واقعی اعتقادات خود جان می‌بخشد: «ما به این حقیقت آشکار گواهی می‌دهیم که همه‌انسان‌ها برابر خلق شده‌اند».
من رویایی دارم که روزی فرا خواهد رسید که در تهیه‌های سرخ جورجیا، فرزندان بردگان و فرزندان اربابان بر میز برادری با هم می‌نشینند.
من رویایی دارم که روزی فرا خواهد رسید که حمایا ایالت می‌سی‌سی‌پی؛ ایالتی که در شعله‌های بی‌عدالتی و شعله‌های ظلم می‌سوزد به فردوس آزادی و عدالت مبدل خواهد شد.
من رویایی دارم که روزی فرا خواهد رسید که ۴ فرزندان در کشوری زندگی خواهند کرد که معیار قضاوت رنگ پوست نه، بل محتوای اخلاقی‌شان خواهد بود و امروز من رویایی دارم!
مارتین لوتر کینگ، رهبر سیاهپوستان آمریکا شد و مبارزات بسیاری انجام داد اما نتایجی که او به عنوان «رویای آمریکا» بیان کرده بود، همچنان در همان رویای ذهنی برای سیاهپوستان باقی مانده است، چونچه‌چاپ‌ها همیشه گفته، یک افسر پلیس حومه شهر مینیسیپا، در ایالت مینه‌سوتا، یک مرد سیاهپوست را در چهارراهی واقع در محله «فالکون هیتز» این شهر هدف قرار داد. بعد از این شلیک مرگبار، وقایع بعدی این رویداد به صورت زنده توسط گوشتی همراه نامزد این مرد در شبکه اجتماعی نمایش داده شد. به گزارش روزنامه محلی «سان پاپ مینیسیپالیس، بستگان و دوستان مرد سیاهپوست، او را «فیالندو کوشه‌یاس»، یک ساله ۳۲، معرفی کرده‌اند. ظاهرا کاستلیه مسؤول کافه تریای یک مدرسه در ناحیه سنت پل این شهر بود. بعد از حمله پلیس، مذاق بعد از شلیک به صورت زنده توسط نامزد مرد، با نام کاربری «وئیش رینولدز»، به صفحه فیسبوک او ارسال می‌شد. صدای خانم رینولدز روی تصاویر شنیده می‌شود: «ای خدا من! خواهش می‌کنم نگید که این مرده، نگید که نامزدم همین جوری از دست رفت. آقا! شما ۴ تا گلوله بهش زدید».
در این تصاویر زنده، می‌شد کاستیلیه را در صندلی راننده دید که لکه خون روی تی‌شرت سفیدش هر لحظه بزرگ‌تر می‌شود. خانم رینولدز در صندلی کنار راننده نشسته بود. نکته درناک‌تر اینکه دختر ۴ ساله‌ای خانم هم در خودرو حضور داشت و شاهد صحنه بود. این رویداد تنها چند ساعت بعد از آن رخ داد که وزارت دادگستری آمریکا از شروع تحقیقات درباره قتل یک شهروند سیاهپوست دیگر توسط ۲ افسر پلیس، در روز سه‌شنبه در ایالت لوئیزیانا خبر داد. این اتفاقات در چند سال گذشته متواتر رخ داده است، تا آنجا که بین سیاهپوستان آمریکا جنبش‌های «سنتام بالانست» و «پارک برون» هم پدید آمده. مرق خورده است و نکته مهم آنها اجتماعات چند ده و چند صدهزار نفری سیاهپوستان است که رسانه‌های آمریکایی آن را با عنوان «رفولان کاترینا علیه حاکمیت» نام نهاده‌اند. سیاهپوستان می‌گویند دستمان بالاست اما نمی‌توانیم نفس بکشیم؛ این شعاری است که ایالت‌های آمریکا را در بر گرفته است. وقتی «مایکل برون» که پلیس آمریکایی می‌مواجه شد، گفت «دست‌هایم بالاست» اما ویلسون ۶ گلوله به او زد. مادر برون در سخنرانی‌ها دست‌تاش را بالا می‌گیرد و می‌گوید: «مرا نکشید مانند بسیاری از آمریکایی‌های رنگین‌پوست دیگر» و مردم آمریکا همونا با او می‌گویند: «دستم‌مان بالاست شلیک نکنید.»

بازگشتی به عقب و مروری بر وضعیت جنس‌ساله سیاهپوستان
سال ۲۰۰۸ سال امیدوار شدن سیاهپوستان بود. رئیس‌جمهور شدن اوپاما در این کشور بیشتر به یک کمدی شبیه بود اما یکی از کاندیداهای مطرح شده بود. خیابان‌های آمریکا مملو از سیاهپوستانی بود که یکصد نام اوپاما را فریاد می‌زدند. آنها نخستانر «تئیر» بودند. برای آنها «وپاما فرشته نجات سیاهپوستان» بود. اوپاما هم در سخنرانی‌هایش تلاش داشت سیاهپوستان را با خود همراه کند، او در یکی از نطق‌های پیش‌انتخابی گفته بود: «وضعیت نژادپرستی در آمریکا مناسب نیست. سیاهپوستان آمریکا در وضعیت نامناسی به سر می‌برند. باید این وضعیت تغییر کند. بباید کاری کنیم برای تغییر برای آنکه با یک هم‌جران مواجه‌نشویم.» و زنان سیاهپوست در پای سخنرانی اوپاما یکصد فریاد می‌زدند: «وپاما فرشته نجات ما». خواننده آمریکایی سیاهپوست معروف که همواره علیه حاکمیت آمریکا می‌خواند و همیشه در محدودیت به سر می‌برد، می‌گفت: «باورم نمی‌شود که

یک سیاهپوست بتواند رئیس‌جمهور آمریکا شود». در گفت‌وگوهای خیابانی تلویزیونی هم چهره‌های مردم سیاهپوست آمریکا امیدوارتر از گذشته است. آنها امید تغییر و بازگشت عزت به سیاهپوستان را دارند. اوپاما هم در جمع سیاهپوستان از عزت و آزادی آنها در آینده سخن می‌گوید و در مقابل توهمین جناح جمهوری خواه می‌گوید: «برخلاف آنچه می‌گویند من در آخور بزرگ نشده‌ام؛ من امدام تا دنیا را نجات دهم. ما نمی‌توانیم تنها روی نیروی نظامی خود تکیه کنیم تا به اهداف امنیت ملی دست پیدا کنیم. ما باید روی نیروی غیرنظامی تکیه کنیم. بلکه ما می‌توانیم.»
صف‌های طولانی سیاهپوستان برای رأی دادن به اوپاما، نظر دوربین‌های آمریکا را به خود جلب کرده است. همه سیاهان امید بازگشت به جامعه را دارند. شهروندان سیاهپوست آمریکایی معتقدند، هیچ‌وقت فکر نمی‌کردند چنین اتفاقی بیفتد. «هیلاری کلینتون» نیز اگرچه سفیدپوست بود شعارهای ضدنژادپرستی می‌داد. اما اوپامای سیاهپوست جلسه خصوصی می‌گذاشت و از مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش ضدنژادپرستی حمایت می‌کرد. کلینتون در یک نطق تلویزیونی در سالروز سفر مارتین لوتر کینگ جوونیور به هندوستان گفت: من این سعادت را داشتم که هنگامی که دختر جوانی بودم به سخنرانی دکتر کینگ گوش کنم. مبارزه برای حقوق مدنی و عدالت همواره هدفی جدایی بوده و اینچنین نیز خواهد ماند: این مبارزه حد و مرزی نمی‌شناسد. دکتر کینگ به ما گفت: وجود بی‌عدالتی در هر نقطه‌ای تهدیدی برای عدالت در همه جا به شمار می‌رود. پیروزی اوپاما، به معنای پیروزی مردم آمریکا و همچنین پیروزی دیدگاه‌ها و عقاید او در راستای ایجاد تغییر و تعدد جدی بود. بارش‌های آمریکایی است. هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن باقی مانده است. منظورم این است که تلاش برای عدالت هیچ‌گاه پایان نخواهد پذیرفت اما ما در ایالات متحده بسیار مفتخریم که رئیس‌جمهورمان در تمامی ابعاد نشان‌دهنده رویای دکتر کینگ است.

■ اوپاما رای آورد اما مناسبات سیاه و سفید تغییر نکرد

اوپاما رای آورد اما هنوز روزنه‌های امیدواری سیاهپوستان آمریکایی تبار، جایی نگرفته که وضعیت سیاهان روز به روز بدتر می‌شود. هر روز خبری جدید از برخورد، با سیاهپوستان آمریکایی شنیده می‌شد. برخوردهایی که سیاهان توقع داشتند اوپاما جلوی آنها را بگیرد اما هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. «جان کرفورد» چون ۲۱ ساله سیاهپوست دیگری به نام «تریبون مارتین» به فلوریدا به ضرب گلوله «جورج زمیرمن» پلیس سفیدپوست آمریکا کشته شد. دستگاه قضایی آمریکا اما این اقدام زمیرمن را دفاع از خود دانست و حکم به تبرئه پلیس قاتل داد. حکمی که اعتراض مردم آمریکا در ایالت‌های مختلف را موجب شد. پدر تریبون مارتین می‌گوید: «عذاب‌آور است که بی‌همین قاتل پسرم آزاد است» و سبیرینا فولتون؛ مادر تری وان می‌گوید «تری وان یک بچه بود. آنها در دادگاه موضوع را تغییر دادند و او را مرد بالغ حساب کردند.»
«ال شارپتون» را که رهبر حقوق مدنی آمریکا، رئیس‌جمهور سیاهپوستان و صدای عدالت می‌دانند، سازماندهی جمععات هزاران نفری در مقابل ساختمان کاپیتول در

تفاوت‌ها



روایتی از وضعیت سیاهپوستان در آمریکا از زبان خودشان

می خواهیم نفس بکشم

- می‌کاتیل دباتی

اعتراض به برخوردهای خشونت‌آمیز پلیس آمریکا و کشته شدن ۲ سیاهپوست غیرمسلمح— مایکل براون و اریک گارنز— را برعهده‌داشت. این کشیش پرآوازه که از دهه ۸۰ میلادی یک فعال مدنی بود، پرونده «یوسف هاکینز» که به این جوان سیاهپوست ۱۶ ساله که توسط یک دسته خلافکار سفیدپوست به قتل رسید را در دهه ۹۰ پیگیری کرد و بتدریج مردم به عنوان قوی‌ترین مبارز خشونت علیه سیاهان به این کشیش طرفدار مارتین لوتر کینگ امید بستند. او نیز در تجمع نکوداشت مایکل براون شرکت کرد و تنها رادکل را برهم زدن این نظم غیرمنصفانه آمریکایی دانسته بود. در جمع‌تاز مردم آمریکا علیه پرونده‌های جنایی‌ای که همواره مقتول آنها یک سیاهپوست است و قاتل عمدتا یک پلیس سفیدپوست که تبرئه می‌شود، سیاهپوستان می‌گویند: «پرونده مارتین این سؤال را مطرح کرده که ما می‌خواهیم در چه نوع جامعه‌ای زندگی کنیم؟ چطور ممکن است، یک نفر سلاح به دست بگیرد و دو کس دیگری را بکشد و بگوید دفاع از خود بوده و هیچ برخوردی با قاتل نشود؟» اگرچه بعد از انتشار فیلم‌های بسیاری از این قتل‌ها، آنها نیز می‌دانستند که هیچ‌گاه سیاهپوستان در مقام حمله نبودند

که قرار باشد پلیس سفیدپوست در مقام دفاع شلیک کند، بلکه همواره پیش از آنکه دیالوگی بین سیاه و سفید رد و بدل شود، خون سیاهپوست جاری می‌شود. فرزند مارتین لوتر کینگ در مراسم یادبود جنبش سیاهپوستان می‌گوید: «سخنانی که پدر من نمی‌توان پیش ایراد کرد این بود که امیدوارم فردی در این کشور بیاید که کودکان به با رنگ پوست‌شان بلکه با شخصیت‌شان سنجیده شوند و لای مناسبانه اشک‌های پدر و مادر ترابون مارتین به ما یادآوری می‌کند رنگ پوست افراد همچنان محسوزی برای پرونده‌سازری، بازداشت و حتی قتل آنهاست.» فشار اجتماعی دادگاه‌های آمریکا را مجبور می‌کند قوانینی فرامی‌شی درباره برخورد با پلیس‌های خاطی تنظیم کنند. اما «شید باتر» وکیل حقوق مدنی در آمریکا با انتقاد از دستورالعمل‌های جدید ضدسیاهپوستان گفت: «این دستورالعمل‌ها هیچ کاری درباره رنگین‌پوستان بویژه در محله‌های فقیر و در این کشور را ندانده می‌گیرد. باید بودند نمی‌کنند. تنها نیهادهایی که می‌توانند جلوی برخوردهای نژادی، مانند پرونده‌های فرگوسن یانویورک را بگیرند شوهرهای شهری و پارلمان‌های ایالتی هستند.» علتش این است که این دستورالعمل‌ها درباره افسران محلی وایالتی اعمال نمی‌شود، مگر اینکه آنها در تحقیقات فدرال مشارکت داشته باشند. اما این اعتراضات از چند سال پیش وارد مرحله جدیدی شده است. از زمانی که مایکل براون نوجوان ۱۷ ساله به جرم همه سیاهان آمریکایی مورد اصابت ۶ گلوله ویلسون، افسر پلیس آمریکایی قرار گرفت. «سلنا ریسمن» فعال جوان سیاهپوست که رهبری بخشی از سیاهان «سن لوئیس» را برعهده دارد در یکی از اجتماعاتی که برای یادبود براون برگزار شده بود، می‌گوید: فکر می‌کنم مرگ یک جوان بی‌گناه و غیرمسلم وحشتناک است. به او فقط به خاطر رنگ پوستش شلیک کردند. در این اجتماع جانسون، دوست مایکل براون می‌گوید: افسر پلیس قبل از اینکه از خودرو خارج شود اسلحه‌اش را بیرون کشیده بود. او ۲ بار شلیک کرد. وقتی دوست من پس از این شلیک به زمین افتاد، برگشت و دست‌تاش را بالا برد. اما افسر پلیس همچنان اسلحه به دست، به او نزدیک شد و چند گلوله دیگر شلیک کرد که دوست من کشته شد. پلیس فرگوسن در آن ایام در مقام دفاع از خود گفته بود: «این پسر در مواجهه با ماموران، از بالا بردن دست‌تاش خوداری

مردم تفاوتی بین اوپاما و کلینتون قائل نیستند، مسیری که او برای قاتل خشونت علیه سیاهپوستان اعمال نکرد را کلینتون هم انجام نخواهد داد، ترامپ هم که تمام‌قد به دفاع از پلیس‌های قاتل آمریکایی می‌پردازد و داستان غم‌انگیز سیاهپوستان همچنان ادامه دارد. آنها در همه دولت‌ها شهروند درج دو حساب می‌شوند و به همین دلیل امروز در تمام ایالت‌های آمریکا به‌ی‌خاکستهند. آنها هنوز به رویاهای مارتین لوتر کینگ اعتقاد دارند
--

می‌کند و اعتراضات خیابانی علیه دولت آزادبخواه و مردمسالار راه‌راه می‌اندازد. تصاویر راهبیمایی و تظاهرات در فر گوسن باقی سیاهپوستان را هم به تحرک وامی‌داد. سیاهان در این جمع‌تاز معتقدند ما در حال از دست‌دادن جوانان خود در برابر سلاح‌های پلیس هستیم. این روند مردم‌گبار باید متوقف شود. «هلدری شیلتون» رئیس انجمن آمریکایی دفاع از رنگین‌پوستان می‌گوید: دولت آمریکا وضع حقوق بشر در این کشور را ندانده می‌گیرد. باید اعتراف کنیم که مشکل نژادپرستی در آمریکا وجود دارد. برخوردهای نژادی، مانند پرونده‌های فرگوسن یانویورک را بگیرند شوهرهای شهری و پارلمان‌های ایالتی هستند.» علتش این است که این دستورالعمل‌ها درباره افسران محلی وایالتی اعمال نمی‌شود، مگر اینکه آنها در تحقیقات فدرال مشارکت داشته باشند. اما این اعتراضات از چند سال پیش وارد مرحله جدیدی شده است. از زمانی که مایکل براون نوجوان ۱۷ ساله به جرم همه سیاهان آمریکایی مورد اصابت ۶ گلوله ویلسون، افسر پلیس آمریکایی قرار گرفت. «سلنا ریسمن» فعال جوان سیاهپوست که رهبری بخشی از سیاهان «سن لوئیس» را برعهده دارد در یکی از اجتماعاتی که برای یادبود براون برگزار شده بود، می‌گوید: فکر می‌کنم مرگ یک جوان بی‌گناه و غیرمسلم وحشتناک است. به او فقط به خاطر رنگ پوستش شلیک کردند. در این اجتماع جانسون، دوست مایکل براون می‌گوید: افسر پلیس قبل از اینکه از خودرو خارج شود اسلحه‌اش را بیرون کشیده بود. او ۲ بار شلیک کرد. وقتی دوست من پس از این شلیک به زمین افتاد، برگشت و دست‌تاش را بالا برد. اما افسر پلیس همچنان اسلحه به دست، به او نزدیک شد و چند گلوله دیگر شلیک کرد که دوست من کشته شد. پلیس فرگوسن در آن ایام در مقام دفاع از خود گفته بود: «این پسر در مواجهه با ماموران، از بالا بردن دست‌تاش خوداری

نظامی فاسد است. از سال ۲۰۰۱ تاکنون پلیس آمریکا ۵ هزار نفر را کشته است که بیشتر آنها سیاهپوست بوده‌اند اما تا کنون هیچ مشکلی برای پلیس پیش نیامده است.»
حالا همه فهمیده‌اند که رئیس‌جمهور سیاهپوست هم تغییری در نظم آمریکایی حاصل نمی‌کند و «وپیو سسوکاتی» فعال سیاهپوست در اجتماع یادبود «تامیر رایس» می‌گوید: اینکه رئیس‌جمهور و وزیر دادگستری آمریکا و رئیس پلیس فرگوسن سیاهپوست هستند، تنها برای سرپوش گذاشتن بر تبعیض‌های است که علیه سیاهان در آمریکا می‌شود و از زمانی که اوپاما رئیس‌جمهور شده وضع سیاهان بهتر نشده بلکه در مواردی هم بدتر شده. «گریگوری باتز فیلد» عضو گروه موسوم به مرکز اقدام بین‌المللی در همایش سیاهان معترض می‌گوید: خواسته معترضانی که در خیابان‌های فرگوسن حضور دارند، چیزی جز اجرای عدالت درباره قاتل این نوجوان نیست. ما شاهد بودیم که حتی نام افسری که مایکل براون را هدف گلوله قرار داد با تاخیر اعلام شد؛ چه برسد به برقراری عدالت درباره این پلیس. **■ در ساختار نژادپرستان آمریکایی سیاهان همیشه برده‌می‌مانند**

حتی حالا سازمان حقوق بشر هم می‌داند که در آمریکا چه بر سر سیاه‌ها می‌آید، اگر چه نمی‌تواند در مقابل نظم آمریکایی بایستد. «ناوی پیلا» کمیسر حقوق بشر سازمان ملل در پیامی برای معترضان می‌گوید: درگیری‌ها بین پلیس و تظاهرکنندگان در فرگوسن آمریکا یادآور خشونت دوران تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی است. حقیقت برای سیاهپوستان امروز این است که شعار تغییر اوپاما برای آنها هیچ چیز را عوض نکرده است. پروفیسور «گریف» یکی از سیاهپوستانی است که با نگاه جامعه‌شناختی با این پدیده مواجه می‌شود. او می‌گوید: «مردم فکر می‌کردند چون یک مرد سیاه به قدرت رسیده همه چیز درست می‌شود. یک احساس لذت کاذب است؛ انه همه چیز درست پیش نمیره تا زمانی که سیستم قدرت و ثروت پشت پرده احزاب کار می‌کنند مهم نیست که رئیس‌جمهور اوپاما باشه یا نباشه.»
نوام جانسکی هم که اتفاقاً یک سفیدپوست است معترض همین نظم نژادپرل آمریکایی است و معتقد است که قرار است جوانان نژادپرست مردم نقشی در تعیین سرنوشت خود ندارند. در غرب بیشتر مردم نقشی در تعیین سرنوشت خودشان ندارند. به نظر من عصبانیت و خشم مردم از نظام‌های نژادپرل هر روز بیشتر می‌شود. در این نظام‌ها اکثریت مردم زجر می‌کشند، در حالی که بیشتر ثروت و سرمایه در دست عده مکرسی اندک ایست، بیشتر مردم نقشی در تعیین سرنوشت خودشان خودشان دارند. در چند دهه اخیر در آمریکا اکثریت آفریقایی‌تباران بویژه مردان مورد آزار و اذیت و تبعیض دستگاه‌های امنیتی قرار می‌گیرند. وقتی اتفاقاتی مثل شورش‌های فرگوسن اتفاق می‌افتد تازه می‌بینیم که چنین مشکلاتی جدی است. تبعیض نژادی، انباشته شدن ثروت، افزایش نرابرابری‌ها و تمرکز قدرت سیاسی در آمریکا از عواقب اجزایی از سیاست‌های اقتصادی نژادپرل‌هاست. پروفیسور «ترابلی» تاریخ‌نگار آمریکایی هم اوپاما را دروغ بزرگ نظام حاکم آمریکا به سیاهان می‌داند و می‌گوید: اوپاما آمد تا همه آن امیها را از بین برده و همه را فریب دهد. اوپاما یک فریب‌بیرحانه بود. او یک جعل بزرگ بود. دیگر آمیدی به اوپاما وجود ندارد. او نیز نمی‌تواند برای سیاهپوستان کاری کند. اوپاما هم بخشی از پوشش خبری نمی‌دهند. «پورلی» دیگر فعال سیاهپوست می‌گوید: با سگ هم این طور رفتار نمی‌کنند. حتی اگر جسدگی را روی خیابان بینیم باید آن را فوراً برداریم و نگذاریم ساعت‌ها روی زمین بماند. آنها جسد مایکل براون ۴ ساعت روی زمین رها کرده بودند. خون همین طور از سرش می‌رفت. «ال شارپتون» در جمع مایکل براون گفت: این صدای ما است. کشتن افراد، دیگر بس است. این نسل وقتی دید که این اتفاقات رخ می‌دهد ایستاد و گفت دیگر بس است. ما به اندازه کافی شاهد بودیم که برداران و خواهران ما در خیابان‌ها کشته می‌شوند. این یک مساله عمیق و چندلایه است. آمریکا نیاز به تغییرات بنیادین در سیستم سیاسی، قضایی و پلیس دارد. خشونت و قتل سیاهان به یک فرهنگ تبدیل شد. پلیس می‌کشد و دادگاه، می‌بخشد. اعتراضات سیاهپوستان به حکم دادگاه براون ادامه داشت اما پلیس بی‌توجه به این مساله «اریک گارنز» را هم به جرم سیاه پدرش را کشته بودند روی زمین دراز کشید و فریاد می‌زد: «می‌خواهم نفس بکشم» او در مقابل دوربین‌ها گفت: «من می‌کشم و می‌شود از کشتن اوپاما خوشم می‌آید» او پس از کشتن اوپاما آنچه بود، می‌ماند طبقه ممتاز کشور است که به این دست‌نشانده‌ها چیزی می‌دهند که خودشان روی آن کار می‌کنند. آنها از ایالات متحده استفاده می‌کنند تا سیاست‌های خودشان را در وال استریت به انجام برسانند. چپ و راست معنا ندارد، مهم این است که برای وال استریت کار کند. حالا اما انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک است. مردم تفاوتی بین اوپاما و کلینتون قائل نیستند، مسیری که او برای تغییر خشونت علیه سیاهپوستان اعمال نکرد. را کلینتون هم انجام‌نخواهد داد، ترامپ هم که تمام‌قد به دفاع از پلیس‌های قاتل آمریکایی می‌پردازد و داستان غم‌انگیز سیاهپوستان همچنان ادامه دارد. امروز مردم معترض با بالا بردن دست‌هایشان در اقدامی نمادین به پلیس‌های آمریکایی می‌فهماند که قصد تیراندازی ندارند. آنها از کلاس‌های درس و مغازه‌ها خارج می‌شوند در حالی که دست‌های خود را بالا گرفته‌اند می‌گویند دست‌هایمان بالاست، می‌خواهیم نفس بکشیم. این یک حرکت است که معترضان بعد از کشته شدن مایکل براون و اریک گارنز، به راه انداخته‌اند. امروز رنگین‌پوستان آمریکا کهنه‌پداند که اوپاما، پوتس، کلینتون، ریگان و هر شخص دیگری فرقی نمی‌کنند. آنها در همه دولت‌ها شهروند درجه دو حساب می‌شوند و به همین دلیل امروز در تمام ایالت‌های آمریکا به‌ی‌خاکستهند. آنها هنوز به رویاهای مارتین لوتر کینگ اعتقاد دارند.